

قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ مجلس شورای اسلامی

فصل اول - تشکیلات و حدود و وظایف

ماده ۱- به منظور رسیدگی به تخلفات اداری^۱ در هر یک از دستگاه‌های مشمول این قانون، هیأت‌هایی تحت عنوان "هیأت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان" تشکیل خواهد شد. هیأت‌های مزبور شامل هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر می‌باشد.

تبصره ۱- هیأت تجدیدنظر در مرکز وزارتخانه یا سازمان مستقل دولتی و نیز تعدادی از دستگاه‌های مشمول این قانون که فهرست آنها به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید، تشکیل می‌شود و در صورت لزوم دارای شعبه‌هایی خواهد بود.

تبصره ۲- در صورت تشخیص هیأت‌عالی نظارت یک هیأت تجدیدنظر در مرکز برخی از استان‌ها که ضرورت ایجاب نماید، تشکیل می‌گردد.

ماده ۲- هر یک از هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر دارای سه عضو اصلی و یک یا دو عضو علی‌البدل می‌باشد که با حکم وزیر یا بالاترین مقام سازمان مستقل دولتی مربوط و سایر دستگاه‌های موضوع تبصره ماده یک برای مدت سه سال منصوب می‌شوند و

۱- رأی ۸۰۸ و ۸۰۹-۱۳۸۵/۱۲/۶ هیأت‌های عمومی دیوان عدالت اداری: با توجه به عموم و اطلاق ماده یک قانون رسیدگی به تخلفات اداری در خصوص شمول قانون مزبور که مقرر داشته، منظور از کارمندان کلیه کارکنان رسمی، ثابت، دائم، پیمانی، و قراردادی است. دادنامه‌های ۱۸۳-۱۳۸۳/۲/۳۱ و ۴۹۵-۱۳۸۲/۴/۳۱ شعبه دهم تجدیدنظر ۱۲۶۸-۱۳۸۲/۱۲/۱۶ شعبه ششم تجدیدنظر در حدی که متضمن شمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری درباره کارمندان قراردادی جهاد سازندگی می‌باشد، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی‌ربط لازم‌الاتباع است.

انتصاب مجدد آنان بلامانع است.

تبصره ۱- در غیاب اعضای اصلی، اعضای علی‌البدل به جای آنان انجام وظیفه خواهند نمود.

تبصره ۲- هیچ یک از اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت‌های بدوی یک دستگاه نمی‌توانند هم‌زمان عضو هیأت تجدیدنظر همان دستگاه باشند. همچنین اعضای مذکور نمی‌توانند در تجدیدنظر پرونده‌هایی که در هنگام رسیدگی بدوی به آن رأی داده‌اند شرکت نمایند.

ماده ۳- برکناری اعضای هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر با پیشنهاد وزیر یا بالاترین مقام سازمان مستقل دولتی و سایر دستگاه‌های موضوع تبصره ۱ ماده ۱ و تصویب هیأت‌عالی نظارت صورت می‌گیرد.

ماده ۴- صلاحیت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان با هیأت بدوی است و آرای صادره در صورتی که قابل تجدیدنظر نباشد از تاریخ ابلاغ، قطعی و لازم‌الاجرا است. در مورد آرای که قابل تجدیدنظر باشد هرگاه کارمند ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی، درخواست تجدیدنظر نماید، هیأت تجدیدنظر مکلف به رسیدگی است. آرای هیأت تجدید نظر از تاریخ ابلاغ قطعی و لازم‌الاجرا است.

تبصره ۱- هرگاه رأی هیأت بدوی قابل تجدیدنظر باشد و متهم ظرف مهلت مقرر درخواست تجدیدنظر نماید رأی صادر شده قطعیت می‌یابد و از تاریخ انقضای مهلت یاد شده لازم‌الاجرا است.

تبصره ۲- ابلاغ رأی طبق قانون آیین دادرسی مدنی به‌عمل می‌آید و در هر صورت فاصله بین صدور رأی و ابلاغ آن از ۳۰ روز نباید تجاوز کند.

ماده ۵- به‌منظور تسریع در جمع‌آوری دلایل و تهیه و تکمیل اطلاعات و مدارک، هیأت‌ها می‌توانند از یک یا چند گروه تحقیق استفاده نمایند. شرح وظایف، تعداد اعضا و شرایط عضویت در گروه‌های تحقیق، در آیین‌نامه اجرایی این قانون مشخص می‌شود.

تبصره- گروه‌های تحقیق هر یک از هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر مستقل از یکدیگر بوده و یک گروه تحقیق نمی‌تواند در تحقیقات مربوط به مراحل بدوی و تجدیدنظر یک پرونده اقدام به تحقیق نماید.

ماده ۶- اعضای هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر علاوه بر تدین به دین مبین اسلام و

۷۳۰ / مجموعه قوانین و مقررات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

عمل به احکام آن و اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران و اصل ولایت فقیه، باید دارای شرایط زیر باشند:

۱- تأهل؛

۲- حداقل ۳۰ سال سن؛

۳- حداقل مدرک تحصیلی فوق دیپلم یا معادل آن.

تبصره ۱- در موارد استثنایی داشتن مدرک دیپلم حسب مورد با تأیید هیأت عالی نظارت بلامانع است.

تبصره ۲- در هر هیأت باید یک نفر آشنا به مسایل حقوقی عضویت داشته باشد و حداقل دو نفر از اعضای اصلی هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر باید از بین کارکنان همان سازمان یا وزارتخانه که حداقل پنج سال سابقه کار دولتی دارند، به این سمت منصوب شوند.

ماده ۷- اعضای هیأت‌های بدوی یا تجدیدنظر در موارد زیر در رسیدگی و صدور رأی شرکت نخواهند کرد:

الف) عضو هیأت با متهم قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشد؛

ب) عضو هیأت با متهم دعوی حقوقی یا جزایی داشته یا در دعوی طرح شده ذی‌نفع باشد.

فصل دوم - تخلفات اداری

ماده ۸- تخلفات اداری به قرار زیر است:

۱- اعمال و رفتار خلاف شؤن شغلی یا اداری؛

۲- نقض قوانین و مقررات مربوط؛

۳- ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع یا انجام ندادن یا تاخیر در انجام امور قانونی آنها بدون دلیل؛

۴- ایراد تهمت و افترا، هتک حیثیت؛

۵- اخاذی؛

۶- اختلاس؛

۷- تبعیض یا اعمال غرض یا روابط غیراداری در اجرای قوانین و مقررات نسبت به اشخاص؛

بخش دهم: انتظامی، انضباطی و تخلفات / ۷۳۱

- ۸- ترک خدمت در خلال ساعات موظف اداری؛
- ۹- تکرار در تاخیر ورود به محل خدمت یا تکرار خروج از آن بدون کسب مجوز؛
- ۱۰- تسامح در حفظ اموال و اسناد و وجوه دولتی، ایراد خسارات به اموال دولتی؛
- ۱۱- افشای اسرار و اسناد محرمانه اداری؛
- ۱۲- ارتباط و تماس غیرمجاز با اتباع بیگانه؛
- ۱۳- سرپیچی از اجرای دستورهای مقام‌های بالاتر در حدود وظایف اداری؛^۱
- ۱۴- کم‌کاری یا سهل‌انگاری در انجام وظایف محول شده؛
- ۱۵- سهل‌انگاری رؤسا و مدیران در ندادن گزارش تخلفات کارمندان تحت امر؛
- ۱۶- ارایه گواهی یا گزارش خلاف واقع در امور اداری؛
- ۱۷- گرفتن وجوهی غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده یا اخذ هرگونه مالی که در عرف رشوه‌خواری تلقی می‌شود؛
- ۱۸- تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را ندارند یا خودداری از تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را دارند؛
- ۱۹- تعطیل خدمت در اوقات مقرر اداری؛
- ۲۰- رعایت نکردن حجاب اسلامی؛
- ۲۱- رعایت نکردن شوون و شعایر اسلامی؛^۲

۱- رأی ۱۹۵-۱۳۷۹/۶/۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: با عنایت به ماده ۵۴ قانون استخدام کشوری و مقررات قانون هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری ترمذ، عدم اطاعت از دستور قانونی مقام مافوق در قلمرو وظایف و تکالیف پست ثابت سازمانی مربوط است که چون امتناع از تخلیه و تحویل خانه سازمانی از نوع وظایف و تکالیف شغل مورد تصدی مستخدم دولت محسوب نمی‌شود بنابراین دادنامه شماره ۵۷۵ مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۳ شعبه دوازدهم دیوان که متضمن این معنا است موافق اصول و موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی مطابق قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

۲- رأی ۵۲۴-۱۳۸۶/۷/۱۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: اولاً- با توجه به محتویات پرونده‌های فوق‌الذکر و دادنامه‌های صادره، وجود تناقض بین آرای شعب سوم بدوی و چهارم تجدیدنظر با آرای شعب ۱۴ بدوی و هفتم تجدیدنظر محرز است.

ثانیاً- ارتکاب اعمال خلاف شوون و شعائر اسلامی موضوع بند ۲۱ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات

۷۳۲ / مجموعه قوانین و مقررات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

- ۲۲- اختفا، نگهداری، حمل، توزیع و خرید و فروش مواد مخدر؛
- ۲۳- استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر؛
- ۲۴- داشتن شغل دولتی دیگر به استثنای سمت‌های آموزشی و تحقیقاتی؛
- ۲۵- هر نوع استفاده غیرمجاز از شؤن یا موقعیت شغلی و امکانات و اموال دولتی؛
- ۲۶- جعل یا مخدوش نمودن و دست بردن در اسناد و اوراق رسمی یا دولتی؛
- ۲۷- دست بردن در سؤالات، اوراق، مدارک و دفاتر امتحانی، افشای سؤالات امتحانی یا تعویض آنها؛^۱

اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ باتوجه به اطلاق حکم مزبور مقید و محدود به محل و محیط و ساعات کار اداری نیست و به صراحت ماده (۱۹) آن قانون نیز هرگاه خطای اداری واجد عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزایی باشد، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری ذیصلاح مکلف است به تخلف مستخدم خاطی رسیدگی و رأی مقتضی صادر و مراتب را جهت رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضایی ذیصلاح اعلام نماید. بنابراین دادنامه شماره ۱۱۵۹ مورخ ۱۳۷۹/۶/۱۷ شعبه سوم بدوی دیوان مبنی بر رد اعتراض شاکی نسبت به رأی قطعی هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری که به موجب دادنامه ۱۳۸۱/۳/۲-۴۵۵ شعبه چهارم تجدیدنظر دیوان تأیید شده در حدی که متضمن مراتب فوق‌الذکر است، صحیح و موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

۱- رأی وحدت رویه ۱۴۳-۱۳۷۵/۷/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: موضوع شکایت و خواسته... اعلام تعارض آرای صادره از شعب ۱۴ و ۱۸ دیوان عدالت اداری

مقدمه: الف) شعبه چهاردهم، به شرح دادنامه ۷۲۲-۱۳۷۲/۵/۶ چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که در بند ۱۸ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۱/۴/۹ افشای سؤالات امتحانی یا تعویض آنها تخلف شناخته شده در حالی که در این مورد اعلام شده که متن املائی مذکور در چند روز پیش از امتحان به‌وسیله چند نفر از معلمان مطرح و برای دانش‌آموزان گفته شده است و با توجه به این که املائی مورد ادعا برای دانش‌آموزان کلاس دوم ابتدایی بوده است و با توجه به این که افشای سؤالات امتحانی یا تعویض آنها غیراز موردی است که قبلاً مشابه آن سؤالات در کلاس طرح شده باشد و نظر به این که در همین حد هم دلیلی بر اثبات تخلف شاکی در پرونده امر نیست. لذا شکایت شاکی، وارد و موجه تشخیص و حکم بر ابطال رأی مذکور صادر و اعلام می‌گردد؛ ب) شعبه هجدهم، چنین رأی صادر نموده است: شکایت شاکی از رأی هیأت بدوی تخلفات اداری دایر به توبیخ کتبی با درج در پرونده به لحاظ این که ایراد مؤثری ابراز نگردیده و رأی مذکور هم منطبق با مقررات صادر شده است و جاهد قانونی نداشته حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد.

بخش دهم: انتظامی، انضباطی و تخلفات / ۷۳۳

- ۲۸- دادن نمره یا امتیاز، برخلاف ضوابط؛
- ۲۹- غیبت غیرموجه به صورت متناوب یا متوالی؛
- ۳۰- سوء استفاده از مقام و موقعیت اداری؛
- ۳۱- توقیف، اختفا، بازرسی یا باز کردن پاکت‌ها و محمولات پستی یا معدوم کردن آنها و استراق سمع بدون مجوز قانونی؛
- ۳۲- کارشکنی و شایعه پراکنی، وادار ساختن یا تحریک دیگران به کارشکنی یا کم‌کاری و ایراد خسارت به اموال دولتی و اعمال فشارهای فردی برای تحصیل مقاصد غیرقانونی؛
- ۳۳- شرکت در تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیرقانونی، یا تحریک به برپایی تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیرقانونی و اعمال فشارهای گروهی برای تحصیل مقاصد غیرقانونی؛
- ۳۴- عضویت در یکی از فرقه‌های ضاله که از نظر اسلام مردود شناخته شده‌اند؛
- ۳۵- همکاری با ساواک منحل به‌عنوان مأمور یا منبع خبری و داشتن فعالیت یا دادن گزارش ضد مردمی؛
- ۳۶- عضویت در سازمان‌هایی که مرامنامه یا اساسنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها؛
- ۳۷- عضویت در گروه‌های محارب یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها؛
- ۳۸- عضویت در تشکیلات فراماسونری.

فصل سوم - مجازات‌ها

ماده ۹- تنبیهات اداری به ترتیب زیر عبارتند از:

رأی: «همان‌طور که در دادنامه شماره ۷۲۲-۱۳۷۲/۵/۶ شعبه چهارده دیوان استدلال شده، محتویات پرونده مبین تحقق و اجتماع عناصر و ارکان خطای اداری افشای سؤالات امتحانی موضوع بند ۱۸ ماده ۸ (*۱) قانون رسیدگی به تخلفات اداری نیست. بدین جهت دادنامه مذکور که بر این مینا صادر شده موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی مطابق ذیل ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوطه در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.»

(*۱)- منظور بند ۱۸ ماده ۸ قانون تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۱ می‌باشد که این بند در قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ مندرج در این مجموعه، عیناً تحت عنوان بند ۲۷ ماده ۱۸ تصویب شده است.

- الف) اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدامی؛
ب) توبیخ کتبی با درج پرونده استخدامی؛
ج) کسر حقوق و فوق‌العاده شغل یا عناوین مشابه حداکثر تا یک سوم از یک ماه تا یک سال؛
د) انفصال موقت از یک ماه تا یک سال؛
ه) تغییر محل جغرافیایی خدمت به مدت یک تا پنج سال؛^۱
و) تنزل مقام و یا محرومیت از انتصاب به پست‌های حساس و مدیریتی در دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های مشمول این قانون؛^۲

۱- الف) رأی ۴۱۲-۱۳۸۱/۱۱/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ هرچند تغییر محل جغرافیایی مستخدمین دولت به تقاضا یا رضایت آنان و یا بنا به مقتضیات اداری در صورت اجتماع شرایط و عوامل مؤثر در این زمینه از اختیارات مدیریت است، لیکن تغییر محل جغرافیایی مستخدم دولت به موجب بند هـ ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ در زمره مجازات‌های اداری قلمداد شده است و اعمال آن درباره مستخدمین خاطی منوط به صدور رأی قطعی از طرف هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری می‌باشد. بنابراین اعمال اختیار مدیریت در جهت تغییر محل خدمت مستخدم متخلف به منظور تنبیه او با عنایت به محدودیت اختیارات مدیریت در اعمال مجازات‌های اداری به شرح ماده ۱۲ قانون مذکور، وجاهت قانونی ندارد و دادنامه شماره ۷۹۱ مورخ ۱۳۷۸/۶/۳۱ شعبه هشتم بدوی که با توجه به محتویات پرونده صادر شده و مبین این معنی است، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانونی دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

ب- نظریه ۷/۵۵۳۹-۱۳۸۴/۸/۷-ج.ق: بند «ه» ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ مطلق است و چون اطلاق افاده عموم می‌کند لذا تغییر محل جغرافیایی خدمت کارمند به مدت یک تا پنج سال شامل کلیه استان‌های کشور می‌گردد و مجری حکم در چنین وضعیتی اداره کل کارگزینی وزارت دادگستری است که با ابلاغ رأی هیأت مبادرت به صدور ابلاغ جهت کارمند می‌نماید.

۲- الف) رأی ۲۰۶-۱۳۸۰/۶/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: طبق بند (و) ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب آذرماه ۱۳۷۲ تنزل مقام به‌عنوان یکی از مجازات‌های اداری مستخدم متخلف تعیین و اعمال آن با رعایت مقررات مربوط به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری محول شده و منحصرأً اعمال یکی از مجازات‌های اداری مقرر در بندهای الف، ب، ج و د این ماده به مقامات مذکور در ماده ۱۲ آن قانون محول گردیده است. بنابراین تنزل مقام مستخدم رسمی دولت در مقام اعمال مجازات اداری در مورد او توسط یکی از مقامات فوق‌الذکر مجوز قانونی ندارد و دادنامه شماره ۴۷ مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۳ شعبه دوم تجدیدنظر دیوان مبنی بر تأیید دادنامه شماره ۵۷۰ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۶ شعبه ۱۷ بدوی که با توجه به محتویات پرونده‌های فوق‌الاشعار متضمن این معنی می‌باشد، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده (۲۰) اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۷۸/۲/۱ برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی‌ربط در موارد مشابه ←

بخش دهم: انتظامی، انضباطی و تخلفات / ۷۳۵

ز) تنزل یک یا دوگروه یا تعویق در اعطای یک یا دوگروه به مدت یک یا دو سال؛
ح) بازخرید خدمت در صورت داشتن کمتر از ۲۰ سال سابقه خدمت دولتی در مورد

لازم‌الاتباع است.

رأی ۱۲-۱۳۸۱/۱/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: حکم مقرر در بند (و) ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ که تنزل مقام کارکنان متخلف واحدهای دولتی مشمول قانون مذکور را در زمره مجازات‌های اداری قرار داده است، نافی اختیارات مدیریت در تغییر پست ثابت سازمانی کارمندان واحدهای مذکور براساس ضوابط مربوط و مقتضیات اداری نیست. بنابراین دادنامه شماره ۳۲۱ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۶ شعبه اول دیوان عدالت اداری در پرونده ۵۸/۷۶ در حدی که متضمن این معنی می‌باشد، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۷۸/۲/۱ برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رأی ۱۰۰۴-۱۳۸۶/۹/۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: مستفاد از مدلول اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قسمت دوم بند (پ) و بند ۲ ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری، مسؤلیت شعب دیوان عدالت اداری رسیدگی به شکایت و اعتراضات مردم از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی و مأمورین آنها و آرای قطعی مراجع اختصاصی اداری به جهت نقض قوانین و مقررات و اعاده حقوق تضییع شده آنان است. بنابراین مقررات فوق‌الذکر و اصول مسلم حقوقی در باب عدم جواز تشدید مجازات متخلف معترض به رأی و اینکه بند (و) ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۲/۹ مصرح در اعمال مجازات تنزل مقام و نتیجتاً محرومیت ارتقای شغل در تمام طول خدمت نیست و تعیین مدت در اعمال مجازات مذکور از طرف هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری منع قانونی ندارد، بنابراین دادنامه ۱۵۳۹-۱۳۸۰/۸/۲۶ شعبه چهارم دیوان مبنی بر رد اعتراض شاکي و نتیجتاً تأیید رأی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری در حدی که متضمن این معنی است، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رأی ۳۳۹-۱۳۸۸/۴/۲۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری:

الف) تعارض در مدلول دادنامه‌های فوق‌الذکر محرز به نظر می‌رسد.

ب) علاوه بر این که آرای قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در مورد کارمندان متخلف متضمن محرومیت اداری آنان به محرومیت از انتساب به مشاغل حساس و مدیریتی در دستگاه‌های دولتی بوده است و از این حیث ایرادی بر آرای مذکور وارد نیست، اساساً اعمال مجازات مذکور به تجویز بند (و) ماده قانون رسیدگی به تخلفات اداری درباره متصدیان مشاغل حساس و مدیریتی الزاماً مستلزم تغییر سمت و انتساب آنان به مشاغل غیرحساس و غیرمدیریتی در دستگاه‌های دولتی است. بنابراین دادنامه شماره ۲۳۸ مورخ ۱۳۷۷/۲/۲۴ و دادنامه شماره ۲۳۹۵ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۷ و دادنامه شماره ۱۴۶۵ مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۹ شعب ۶، ۱۵ و ۲۳ دیوان مبنی بر رد شکایت و اعتراض شاکیان نسبت به آرای قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری صحیح و موافق قانون است؛ این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

مستخدمین زن و کمتر از ۲۵ سال سابقه خدمت دولتی در مورد مستخدمین مرد با پرداخت ۳۰ تا ۴۵ روز حقوق مبنای مربوط در قبال هر سال خدمت به تشخیص هیأت صادر کننده رأی؛

ط) بازنشستگی در صورت داشتن بیش از ۲۰ سال سابقه خدمت دولتی برای مستخدمین زن و بیش از ۲۵ سال سابقه خدمت دولتی برای مستخدمین مرد براساس سنوات خدمت دولتی با تقلیل یک یا دو گروه؛

ی) اخراج از دستگاه متبوع؛

ک) انفصال دایم از خدمات دولتی^۱ و دستگاه‌های مشمول این قانون.

تبصره ۱- در احتساب معدل خالص حقوق، تفاوت تطبیق و فوق‌العاده شغل مستخدمان موضوع بند ط در سه سال آخر خدمت در هنگام بازنشستگی، حقوق گروه جدید (پس از تنزل یک تا دو گروه) ملاک محاسبه قرار می‌گیرد.

۱- الف) رأی ۴۱۳-۱۳۸۲/۱۰/۲۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: نظر به این که شاکیان هر دو پرونده به حکم قطعی مراجع قضایی به انفصال از شغل محکوم شده‌اند و به لحاظ تفاوت و تمایز ماهیت حقوقی انفصال از شغل یا انفصال از خدمت، مراجع ذیصلاح محکومیت کیفری آنان را از مصادیق انفصال از خدمت ندانسته‌اند و قلمرو احکام کیفری مذکور را منحصرأ در حد انفصال از شغل مورد تصدی اعلام داشته‌اند، با عنایت به اعتبار احکام قطعی مراجع قضایی مزبور و لزوم تبعیت از آنها در مقام اجرای احکام قطعی، دادنامه ۹۴۷-۱۳۷۴/۹/۱۹ شعبه هجدهم بدوی دیوان از جهت این که متضمن این معنی می‌باشد، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت دوم ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رأی ۶۷۰-۱۳۸۷/۸/۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: باتوجه به تعاریف واژه‌های شغل و خدمت به شرح مندرج در مقررات استخدامی و این که خدمت در معنی و مفهوم عام کلمه مفید وجود رابطه استخدامی با یکی از واحدهای دولتی و این که مراد از شغل، مجموعه وظایف و مسؤولیت‌های مرتبط و همگون یک پست ثابت سازمانی در مجموعه سازمان تفصیلی واحد دولتی و یکی از اجزای آن می‌باشد و بر اساس وجود تمایز و افتراق فوق‌الذکر، قانون‌گذار در احکام مختلف انفصال از خدمت و انفصال از شغل را مجزا و مستقل از یکدیگر مورد حکم قراردادده است و نتیجتاً انفصال از خدمت و انفصال از شغل را مجزا و مستقل از یکدیگر مورد حکم قراردادده است و نتیجتاً انفصال از یک شغل معین و مشخص مستلزم انفصال از خدمت و قطع رابطه استخدامی با واحد دولتی نمی‌باشد.

بخش دهم: انتظامی، انضباطی و تخلفات / ۷۳۷

تبصره ۲- کسور بازنشستگی یا حق بیمه (سهم کارمند) کارمندانی که در اجرای این قانون به انفسال دایم، اخراج یا بازخریدی محکوم شده یا می‌شوند و نیز حقوق و مزایای مرخصی استحقاقی استفاده نشده آنان و در مورد محکومان به بازنشستگی، حقوق و مزایای مرخصی استحقاقی استفاده نشده، همچنین کسور بازنشستگی یا حق بیمه کارمندانی که در گذشته در اجرای مقررات قانونی از دستگاه دولتی متبوع خود اخراج گردیده‌اند، قابل پرداخت است.^۱

تبصره ۳- هیأت‌های بدوی یا تجدیدنظر، نماینده دولت در هر یک از دستگاه‌های مشمول این قانون هستند و رأی آنان به تخلف اداری کارمند، تنها در محدوده مجازات‌های اداری معتبر است و به معنی اثبات جرم‌هایی که موضوع قانون مجازات‌های اسلامی است،^۲ نیست.

تبصره ۴- هیأت‌ها پس از رسیدگی به اتهام یا اتهامات منتسب به کارمند، در

۱- رأی ۱۸۰-۱۳۷۶/۱۲/۱۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: تبصره ۲ ماده (۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ مشعر بر قابلیت پرداخت کسور بازنشستگی به مستخدمین مشمول آن تبصره مفید عدم قابلیت جواز انتقال آن از یک صندوق بازنشستگی به صندوق بازنشستگی دیگر در اجرای مقررات قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی مصوب ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی نیست، بنابراین دادنامه شماره ۴۳۰-۱۳۷۵/۵/۸ شعبه هشتم دیوان که متضمن این معنی است مطابق با قانون شناخته می‌شود. این رأی به استناد قسمت آخر ماده (۲۰) قانون دیوان عدالت اداری، برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

۲- الف) رأی ۱۹۱-۱۳۸۴/۵/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: با عنایت به این‌که هیأت‌های بدوی رسیدگی به تخلفات اداری هر یک از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های مستقل دولتی در زمره اجزای تابعه واحدهای دولتی فوق‌الذکر محسوب می‌شوند و طبق تبصره ۳ ماده ۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات اداری در واحدهای متبوع خود نماینده دولت در اجرای قانون مزبور می‌باشد و تهیه و ارسال پاسخ به دادخواست‌های تقدیمی به دیوان به خواسته نقض رأی هیأت‌های مزبور توسط واحدهای مستقل دولتی به‌طور مستقیم و با غیرمستقیم بلامانع و امکان‌پذیر است و طرح شکایت به طرفیت شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران به خواسته نقض رأی هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری آن شرکت خلاف قانون به نظر نمی‌رسد، دادنامه ۳۵۷-۱۳۸۲/۳/۳۱ شعبه ششم تجدیدنظر که با قبول تقدیم دادخواست به طرفیت شرکت مذکور در اساس قضیه مبادرت به رسیدگی و صدور رأی کرده است از این حیث موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری در موارد مشابه برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط لازم‌الاتباع است.

۷۳۸ / مجموعه قوانین و مقررات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

صورت احراز تخلف یا تخلفات، در مورد هر پرونده صرفاً یکی از مجازات‌های موضوع این قانون را اعمال خواهند نمود.

ماده ۱۰- فقط مجازات‌های بندهای د، ه، ح، ی، ک ماده ۹ این قانون قابل تجدیدنظر در هیأت‌های تجدیدنظر هستند.

ماده ۱۱- برای کارمندانی که با حکم مراجع قضایی یا با رأی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری یا هیأت‌های بازسازی و پاکسازی سابق، محکوم به اخراج یا انفصال دائم از خدمات دولتی شده یا می‌شوند؛ در صورت داشتن بیش از ۱۵ سال سابقه خدمت و ۵۰ سال سن، به تشخیص هیأت‌های تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری مربوط، برای معیشت خانواده آنان مقرری ماهانه که مبلغ آن از حداقل حقوق کارمندان دولت تجاوز نکند برقرار می‌گردد. این مقرری از محل اعتبار وزارتخانه یا مؤسسه مربوط پرداخت می‌شود و در صورت رفع ضرورت به تشخیص هیأت مزبور، قطع می‌شود. چگونگی اجرا و مدت آن طبق آیین‌نامه اجرایی این قانون است.

ماده ۱۲- رییس مجلس شورای اسلامی، وزرا، بالاترین مقام اجرایی سازمان‌های مستقل دولتی و سایر دستگاه‌های موضوع تبصره ۱ ماده ۱ این قانون و شهردار تهران می‌توانند مجازات‌های بندهای الف- ب- ج- د ماده ۹ قانون را رأساً و بدون مراجعه به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در مورد کارمندان متخلف اعمال نمایند و اختیارات اعمال مجازات‌های بندهای الف، ب و ج را به معاونان خود و بندهای الف و ب را به استانداران، رؤسای دانشگاه‌ها و مدیران کل تفویض کنند. در صورت اعمال مجازات توسط مقامات و اشخاص مزبور هیأت‌های تجدیدنظر حق رسیدگی و صدور رأی مجدد در مورد همان تخلف را ندارند مگر با تشخیص و موافقت کتبی خود آن مقامات و اشخاص.

ماده ۱۳- وزرا یا معاونان آنان در صورت تفویض وزیر، رییس مجلس شورای اسلامی، بالاترین مقام سازمان‌های مستقل دولتی و سایر دستگاه‌های موضوع تبصره ۱ ماده ۱ این قانون، شهردار تهران، استانداران و رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز مستقل آموزش عالی و تحقیقاتی و معاونان آنان می‌توانند کارمندانی را که پرونده آنان به هیأت‌های رسیدگی ارجاع شده یا می‌شود را حداکثر به مدت سه ماه آماده به خدمت نمایند.

بخش دهم: انتظامی، انضباطی و تخلفات / ۷۳۹

تبصره ۱- در مورد مؤسساتی که آمادگی به خدمت در مقررات استخدامی آنها پیش‌بینی نشده است، براساس مفاد قانون استخدام کشوری رفتار خواهد شد.

تبصره ۲- چنانچه کارمند پس از رسیدگی در هیأت‌ها براءت حاصل نماید، فوق‌العاده شغل یا مزایای شغل یا عناوین مشابه دوران آمادگی به خدمت براساس آخرین حقوق و مزایای قبل از این دوران پرداخت می‌شود.

تبصره ۳- هیأت‌های بدوی رسیدگی به تخلفات اداری مکلفند در مدت آمادگی به خدمت، به پرونده اتهامی کارمندان رسیدگی کنند و تصمیم لازم را اتخاذ نمایند و در صورتی که در مدت مذکور پرونده جهت رسیدگی پژوهشی به هیأت تجدیدنظر ارجاع شود، مدت آمادگی به خدمت برای سه ماه دیگر قابل تمدید خواهد بود و هیأت تجدیدنظر موظف است حداکثر تا پایان مدت مزبور به پرونده رسیدگی کرده، رأی لازم را صادر نماید. در هر حال با صدور حکم قطعی هیأت‌های رسیدگی حکم آمادگی به خدمت لغو می‌گردد.

ماده ۱۴- هرگاه رسیدگی به اتهام کارمند به تشخیص هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر مستلزم استفاده از نظر کارشناسی باشد، مورد به کارشناسی ارجاع می‌شود.

ماده ۱۵- پرونده آن دسته از مستخدمان بازنشسته که قبل یا پس از بازنشستگی در هیأت‌های پاکسازی یا بازسازی مطرح بوده ولی منجر به صدور رأی نگردیده است یا آرای صادر شده قطعیت نیافته یا آرای که در دیوان عدالت اداری نقض شده است، همچنین پرونده بازنشستگان متهم به موارد مندرج در بندهای ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷ و ۳۸ ماده ۸ در صورت وجود مدارک مثبت، برای رسیدگی و صدور رأی در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری مطرح و مجازات‌های مصرح در این قانون حسب مورد اعمال خواهد شد.

تبصره- افراد موضوع بند ۳۴ ماده ۸ قانون که براساس قانون پاکسازی بازنشسته شده‌اند در صورت باقی بودن در عضویت، پرونده آنان در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری مطرح و براساس قانون رأی لازم صادر می‌شود.

ماده ۱۶- وزرا و نمایندگان مجلسین رژیم سابق، دبیران حزب رستاخیز در مراکز استان‌ها، مدیران کل حفاظت، رؤسای دوایر حفاظت و رمز و محرمانه بعد از خرداد

۱۳۴۲ و اعضای تشکیلات فراماسونری که توسط هیأت‌های پاکسازی یا بازسازی نیروی انسانی محکومیت قطعی نیافته‌اند یا پرونده آنان تاکنون مورد رسیدگی قرار نگرفته است از خدمت در دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و شهرداری‌ها به صورت دایم منفصل می‌شوند و حقوق و بازنشستگی آنان قطع می‌شود.

معاونان نخست‌وزیر، رییس کل بانک مرکزی، مدیران عامل و رؤسای شرکت‌ها و سازمان‌های مستقل دولتی، مستشاران و رؤسای دیوان محاسبات بعد از خرداد ۱۳۴۲ در صورتی که در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری ثابت شود که در تحکیم رژیم گذشته مؤثر بوده‌اند به انفصال دایم محکوم خواهند شد. سفرا و استانداران و معاونان وزاری رژیم سابق بعد از خرداد ۱۳۴۲ حسب مورد طبق این قانون محکوم به بازخرد یا بازنشستگی خواهند شد و در صورت ارتکاب یکی از جرایم مصرح در این قانون در صورتی که مجازات آن جرم بیش از بازنشستگی باشد، به آن مجازات طبق این قانون محکوم خواهند شد.

تبصره - در خصوص آن دسته از کارمندانی که به تحکیم رژیم گذشته متهم بوده و تاکنون رأی قطعی در مورد آنان صادر نشده یا رأی صادر شده در دیوان عدالت اداری نقض شده است، هیأت‌ها می‌توانند پس از رسیدگی حسب مورد یکی از مجازات‌های مقرر در این قانون را در مورد آنان اعمال نمایند.

ماده ۱۷- رییس مجلس شورای اسلامی، وزرا یا بالاترین مقام سازمان‌های مستقل دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و سازمان‌های موضوع تبصره ۱ ماده ۱ این قانون، شهردار تهران، شهرداران مراکز استان‌ها، استانداران و رؤسای دانشگاه‌ها می‌توانند کارمندانی را که بیش از دو ماه متوالی یا چهار ماه متناوب در سال بدون عذر موجه در محل خدمت خود حاضر نشده‌اند، از خدمت وزارتخانه یا دستگاه متبوع اخراج نمایند.

تبصره ۱- هرگاه کارمند یاد شده حداکثر تا سه ماه پس از ابلاغ حکم دستگاه متبوع خود مدعی شود که عذر او موجه بوده است، وزیر یا بالاترین مقام دستگاه متبوع کارمند موظف است پرونده وی را جهت تجدیدنظر به هیأت تجدید نظر مربوط ارجاع نماید.

هیأت تجدیدنظر مکلف به رسیدگی بوده و رأی آن قطعی است و در صورت تأیید حکم اخراج یا برائت از تاریخ اخراج، در غیراین صورت از تاریخ ابلاغ، لازم‌الاجرا است.

بخش دهم: انتظامی، انضباطی و تخلفات / ۷۴۱

تبصره ۲- در مورد آن دسته از مستخدمان موضوع این ماده که به هر دلیل به کار بازگشت داده می‌شوند، مدت غیبت و عدم اشتغال آنان حسب مورد جزو مرخصی استحقاقی، استعلاجی یا بدون حقوق آنان منظور خواهد شد.

تبصره ۳- در مواردی که حکم اخراج یا انفصال کارمند یا کارمندان توسط مقامات صلاحیت‌دار دستگاه‌های اجرایی قبل از قانون بازسازی نیروی انسانی صادر گردیده است، این احکام قطعی محسوب می‌شوند.

فصل چهارم - سایر مقررات

ماده ۱۸- کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، شرکت‌های ملی نفت و گاز و پتروشیمی و شهرداری‌ها و بانک‌ها^۱ و مؤسسات و شرکت‌های دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و مؤسساتی که تمام یا قسمتی از بودجه آنها از بودجه عمومی تأمین می‌شود و نیز کارکنان مجلس شورای اسلامی و نهادهای انقلاب اسلامی مشمول مقررات این قانون هستند. مشمولان قانون استخدام نیروهای مسلح و غیرنظامیان ارتش و نیروهای انتظامی، قضات، اعضای هیأت‌های علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و مشمولان قانون کار از شمول این قانون خارج بوده

۱- رأی ۴۲۷-۱۳۸۰/۱۲/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: حکم مقرر در ماده ۹۰ قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مفید جواز تدوین و تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و ضوابط اداری، استخدامی و انضباطی خاص نظام بانکی است و چون تعیین مرجع رسیدگی به تخلفات انضباطی خاص بانکی و میزان مجازات اداری مرتکبین تخلفات مزبور از مقوله عناوین مقرر در ماده مذکور نیست و به صراحت ماده ۱۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ کارکنان بانک‌ها نیز مشمول قانون اخیرالذکر شناخته شده‌اند و رسیدگی به مطلق تخلفات آنان به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری محول شده و مجازات‌های اداری نیز در ماده ۹ این قانون معین گردیده است، بنابراین تبصره ماده ۴۳ آیین‌نامه استخدامی نظام بانکی در رسیدگی به تخلفات اداری، تشخیص تخلف و تعیین تنبیهات اداری در بانک‌ها و بانک مرکزی را طبق دستورالعمل مصوب شورای عالی بانک‌ها و شورای پول و اعتبار اعلام داشته است، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

و تابع مقررات مربوط به خود خواهند بود.^۱

ماده ۱۹- هرگاه تخلف کارمند عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد هیأت رسیدگی به تخلفات اداری مکلف است مطابق این قانون به تخلف رسیدگی و رأی قانونی صادر نماید و مراتب را برای رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضایی صالح ارسال دارد. هرگونه تصمیم مراجع قضایی مانع اجرای مجازات‌های اداری

۱- رأی ۱۴۸-۱۳۷۶/۱۰/۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آرای صادره از شعب ۵ و ۱۳ و ۱۴ عدالت اداری.

مقدمه: الف) شعبه سیزدهم چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که صنایع هواپیمایی ملی ایران از شرکت‌های وابسته به وزارت دفاع است و اخراج، بازخریدی و معافیت خدمت و یا اعمال هر نوع کیفر و مجازات در مورد آنها بایستی قانوناً بر حسب موازین قانون ارتش جمهوری اسلامی صورت گیرد، حکم به نقض اقدامات انجام شده و طرح موضوع در کمیسیون ماده ۱۰۴ قانون ارتش صادر و اعلام می‌گردد.

ب) شعبه پنجم چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که شاکی کارمند شرکت صنایع پنها وابسته به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح بوده و رسیدگی به تخلفات اداری مربوط به نامبرده تابع قانون رسیدگی به تخلفات اداری است، علی‌هذا حکم به ورود شکایت شاکی و نقض اقدامات حاصله و رسیدگی مجدد به اتهام وی طبق قانون تخلفات اداری، صادر و اعلام می‌گردد.

رأی: با توجه به صراحت ماده (۱۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ مجلس شورای اسلامی در خصوص شمول قانون مزبور به مطلق شرکت‌های دولتی و حصر استثنای مقرر به مشمولان قانون استخدام نیروهای مسلح و غیرنظامیان ارتش و نیروهای انتظامی... رسیدگی به تخلفات اداری شاکیان پرونده‌های فوق‌الذکر در صلاحیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری قرار دارد، لذا دادنامه شماره ۳۵۹ مورخ ۱۳۷۶/۳/۳۱ شعبه دیوان که متضمن این معنی است موافق اصول و موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی به استناد ذیل ماده (۲۰) قانون دیوان عدالت اداری، برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رأی ۳۲ و ۳۳-۱۳۷۷/۲/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: موضوع شکایت خواسته: اعلام تعارض آرای صادره از شعب ۵ و ۱۱ و ۱۴ دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف) شعبه پنجم: در رسیدگی، به شرح دادنامه شماره ۲۰۴، شرکت صنایع هواپیمایی را مکلف به رعایت قانون رسیدگی به تخلفات اداری درباره شکات دانسته و حکم به ورود شکایت صادر نموده است.

ب) شعبه یازدهم: حکم به رد شکایت شاکی صادر نموده است.

ج) شعبه چهاردهم: حکم به رد شکایت صادر نموده است.

رأی هیأت عمومی: با توجه به صراحت ماده (۱۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ مجلس شورای اسلامی مبنی بر شمول قانون مزبور به کلیه کارمندان شرکت‌های دولتی و عنایت به مدلول رأی شماره ۱۴۸ مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که در مورد مشابه صادر شده است، دادنامه شماره ۲۰۴ الی ۲۲۳ مورخ ۱۳۷۵/۲/۲۳ شعبه پنجم دیوان موافق اصول و موازین قانونی شناخته شود.

بخش دهم: انتظامی، انضباطی و تخلفات / ۷۴۳

نخواهد بود. چنانچه تصمیم مراجع قضایی مبنی بر براءت باشد هیأت رسیدگی به تخلفات اداری طبق ماده ۲۴ این قانون اقدام می‌نماید.^۱

ماده ۲۰- به آن دسته از کارمندانی که پرونده آنان در هیأت‌های پاکسازی و بازسازی سابق و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری مطرح و به دلیل عدم صدور رأی یا قطعیت نیافتن رأی یا نقض رأی صادر شده در دیوان عدالت اداری، در هیأت‌های رسیدگی تخلفات اداری مورد رسیدگی قرار گرفته و منجر به براءت آنان گردیده حقوق مبنا یا عنوان مشابه دوران عدم اشتغال به ماخذ آخرین پست سازمانی که قبل از این دوران، تصدی آن را به عهده داشته‌اند پرداخت خواهد گردید و در صورت عدم براءت، دوران عدم اشتغال شاغلان جزو سابقه خدمت آنان محسوب نمی‌شود، و طبق بند "د" ماده ۱۲۴ قانون استخدام کشوری عمل می‌شود.^۲

تبصره ۱- در مورد بازنشستگان در صورت براءت حقوق بازنشستگی پرداخت می‌شود و در صورت عدم براءت نسبت به مدت گذشته حقوق پرداخت نمی‌شود.

تبصره ۲- کلیه احکام آمادگی به خدمت و برکناری از خدمت در مورد متهمانی که بعد از انقضای مهلت قانونی پاکسازی و قبل از اجرای قانون بازسازی نیروی انسانی توسط مقامات اجرایی صادر گردیده اعتبار قانونی داشته و در صورت محکومیت، غیراز

۱- رأی ۱۳۳-۱۳۷۴/۸/۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: مستنبط از مفاد ماده (۲۳) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۱/۴/۹ و قسمت اخیر ماده (۱۹) و همچنین ماده (۲۴) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ تجدیدنظر و رسیدگی مجدد در پرونده کارمندان متخلفی که تخلف آنان علاوه بر جنبه اداری واجد عناوین جرایم مندرج در قوانین جزایی نیز بوده و پس از رسیدگی مراجع قضایی رأی بر براءت آنان صادر می‌شود ضروری به نظر می‌رسد، علی‌هذا دادنامه شماره ۱۳۷۳/۳/۱۹-۲۶۲ صادره از شعبه سوم دیوان عدالت اداری که مفهوماً مؤید این معنی می‌باشد با اکثریت آرای اصح‌الرأیین تشخیص می‌شود. این رأی به استناد ماده (۲۰) قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

۲- رأی وحدت‌رویه ۱۳۳-۱۳۷۹/۴/۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: نظر به این‌که مفاد رأی قطعی هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری مبنی بر لزوم اعاده شاکي به خدمت و عدم محکومیت او به تحمل مجازات‌های اداری محمول بر براءت نامبرده از تخلفات منتسبه است، بنابراین دادنامه شماره ۱۲۳۹ مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۸ شعبه دوازدهم از جهت مذکور و ترتب و آثار استخدامی مربوط به براءت مستخدم موافق اصول و موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی مطابق قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

آنچه به عنوان حقوق آمادگی به خدمت دریافت داشته‌اند، حقوق دیگری به آنان، تعلق نخواهد گرفت. در صورت براءت مابه‌التفاوت حقوق آمادگی به خدمت و حقوق مبنای متعلق به آنان، پرداخت خواهد شد.

ماده ۲۱- در صورتی که متهم به آرای قطعی صادره توسط هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری اعتراض داشته باشد، می‌تواند حداکثر تا یک ماه پس از ابلاغ رأی به دیوان عدالت اداری شکایت نماید. در غیراین صورت رأی قابل رسیدگی در دیوان نخواهد بود.

تبصره ۱- رسیدگی دیوان عدالت اداری به آرای هیأت‌ها به صورت شکلی خواهد بود.^۱

تبصره ۲- آن دسته از کارمندانی که براساس آرای هیأت‌های بازسازی یا پاکسازی نیروی انسانی به محکومیت قطعی رسیده و تا تاریخ ۱۳۶۵/۷/۲ به دیوان عدالت اداری شکایت تسلیم نکرده‌اند، دیگر حق شکایت ندارند.

ماده ۲۲- به منظور نظارت بر حسن اجرای این قانون در دستگاه‌های مشمول و برای ایجاد هماهنگی در کار هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری "هیأت‌عالی نظارت" به ریاست دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی^۲ کشور و عضویت یک نفر نماینده رئیس قوه قضاییه و سه نفر از بین نمایندگان وزرا و یا بالاترین مقام سازمان‌های

۱- رأی وحدت‌رویه ۱۳۷۸/۱/۲۱-۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: نظر به این‌که هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری در رسیدگی و صدور آرای (*۱) مورد اعتراض مراعات قواعد شکلی را نموده‌اند و از این حیث نقض قوانین و مقررات مشهود نیست، بنابراین دادنامه شماره ۷۷۱ مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۱ شعبه بیست و یکم دیوان که متضمن این معنی است موافق اصول و موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع می‌باشد.

(*۱) - در چاپ روزنامه رسمی کلمه «آرای» درج نشده است.

۲- به موجب مصوبه جلسه ۱۳۷۸/۱۲/۱۱ شورای عالی اداری، سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه با کلیه وظایف و اختیارات ادغام و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تشکیل شده است و به موجب بند ۶ الحاقی به مصوبه یاد شده مصوب ۱۳۷۹/۷/۲۶ وظایف رؤسای سازمان‌های یاد شده به رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور محول شده است. با انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی از سوی شورای عالی اداری، اکنون این وظایف به معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی رئیس جمهور انجام می‌شود.

بخش دهم: انتظامی، انضباطی و تخلفات / ۷۴۵

مستقل دولتی تشکیل می‌شود.^۱ هیأت مزبور در صورت مشاهده موارد زیر از سوی هریک از هیأت‌های بدوی یا تجدیدنظر دستگاه‌های مزبور، تمام یا بعضی از تصمیمات آنها را ابطال و در صورت تشخیص سهل‌انگاری در کار هر یک از هیأت‌ها، هیأت مربوط را منحل می‌نماید.^۲ هیأت‌عالی نظارت می‌تواند در مورد کلیه احکامی که در اجرای این قانون و مقررات مشابه صادر شده یا می‌شود بررسی و اتخاذ تصمیم نماید.

الف) عدم رعایت قانون رسیدگی به تخلفات اداری و مقررات مشابه؛

ب) اعمال تبعیض در اجرای قانون رسیدگی به تخلفات اداری و مقررات مشابه؛

ج) کم‌کاری در امر رسیدگی به تخلفات اداری؛

د) موارد دیگر که هیأت بنا به مصالحی ضروری تشخیص می‌دهد.

تبصره ۱- تخلفات اداری اعضای هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری توسط هیأتی

که از طرف هیأت‌عالی نظارت تعیین می‌شود، رسیدگی خواهد شد.

تبصره ۲- هیچ‌یک از اعضای هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری را نمی‌توان در

رابطه با آرای صادره از سوی هیأت‌های مذکور تحت تعقیب قضایی قرارداد مگر در

صورت اثبات غرض مجرمانه.

۱- به ماده ۳۷ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۳/۷/۲۷ با اصلاحات بعدی مراجعه شود.

۲- رأی ۲۰۴-۱۳۸۰/۶/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: هرچند هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری موظفند به تخلفات اداری مستخدمین دولت و تعیین تکلیف آنان به فوریت و در حداقل زمان ممکن رسیدگی و رأی مقتضی صادر کنند و به شرح ماده ۲۲ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب آذرماه ۱۳۷۲ در صورت احراز هریک از موارد مندرج در ماده مذکور از جمله کم‌کاری و سهل‌انگاری هیأت‌ها در امر رسیدگی و صدور رأی هیأت عالی تجویز شده است، لیکن تعیین مدت معین و محدود علاوه براین‌که همواره متضمن رعایت دقت در رسیدگی و صدور رأی مبتنی بر مقررات قانونی نمی‌باشد و انتساب سهل‌انگاری به اعضای هیأت‌های مذکور و یا قابلیت نقض و ابطال آرای آنها منحصرأ به لحاظ عدم صدور رأی در مدت معین بدون توجه قصور یا تقصیر موقعیت قانونی ندارد، اساساً وضع قاعده امره در باب ضرورت رسیدگی به تخلفات اداری و صدور رأی در مدت معین و محدوده و آثار مترتب بر تخطی از آن اختیارات خاص قانون‌گذار و یا مأذون از قبل مقنن بوده و از حدود اختیارات هیأت عالی نظارت خارج است. بنابراین ماده ۳۳ و تبصره‌های یک و ۲ آن ماده و همچنین بند (ز) ماده ۴۶ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات مصوب ۱۳۷۸/۸/۴ هیأت عالی نظارت مستندأ به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

تبصره ۳- هیأت عالی نظارت می‌تواند بازرسانی را به دستگاه‌های مشمول اعزام نموده و در صورت مشاهده موارد تخلف، کارکنان متخلف را جهت رسیدگی به پرونده آنان به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری معرفی نماید.

تبصره ۴- در مورد معتادان به مواد مخدر که براساس آرای قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری به مجازات‌های بازخریدی خدمت، بازنشستگی با تقلیل گروه، اخراج و انفصال دایم از خدمات دولتی محکوم شده یا می‌شوند در صورت ترک اعتیاد در مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ رای، به تشخیص هیأت تجدیدنظر، موضوع براساس ماده ۲۴ این قانون به هیأت عالی نظارت ارجاع می‌شود.

ماده ۲۳- اعمال مجازات شدیدتر نسبت به آرای غیرقطعی هیأت‌های بدوی یا آرای نقض شده توسط دیوان عدالت اداری با توجه به مستندات جدید پس از رسیدگی مجدد با توجه به کلیه جوانب امر بلامانع است.

ماده ۲۴- اصلاح یا تغییر آرای قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری صرفاً در مواردی که هیأت به اکثریت آرا تشخیص دهد که مفاد حکم صادر شده از لحاظ موازین قانونی (به لحاظ شکلی یا ماهوی) مخدوش می‌باشد. پس از تأیید هیأت عالی نظارت در خصوص مورد امکان‌پذیر است.^۱

ماده ۲۵- هرگاه برای عضویت در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری پست سازمانی پیش‌بینی نشده باشد، انجام وظیفه به هر عنوان در هیأت‌ها، تصدی دو پست سازمانی محسوب نمی‌شود.

ماده ۲۶- از تاریخ تصویب آیین‌نامه اجرایی این قانون، کلیه قوانین و مقررات مغایر لغو می‌گردد و پرونده‌هایی که در هیأت‌های پاکسازی، بازسازی و رسیدگی به تخلفات اداری گذشته منجر به صدور رأی قطعی نگردیده یا توسط دیوان عدالت اداری نقض شده است، حسب مورد برای رسیدگی و صدور رأی قطعی به هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر موضوع این قانون، ارسال می‌شود.

۱- به رأی وحدت رویه ۱۳۳-۱۳۷۴/۸/۶ هیأت دیوان عدالت اداری مندرج در زیرنویس ماده ۱۹ همین قانون رجوع شود.

بخش دهم: انتظامی، انضباطی و تخلفات / ۷۴۷

ماده ۲۷- آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف یک ماه پس از ابلاغ این قانون به‌وسیله سازمان امور اداری و استخدامی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. قانون فوق مشتمل بر بیست و هفت ماده و بیست و نه تبصره در جلسه روز یکشنبه هفتم آذر ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۲/۹/۱۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی‌اکبر ناطق نوری